

# آلمان حزب‌الله لبنان را وارد فهرست 'گروه‌های تروریستی' نمی‌کند

دولت آلمان گفته است گروه حزب‌الله لبنان را در فهرست "سازمان‌های تروریستی" قرار نمی‌دهد. نپلس آن، معاون وزیر امور خارجه آلمان به هفته‌نامه اشپیکل گفته است آلمان قصد ندارد از تصمیم بریتانیا برای "تروریستی" اعلام کردن حزب‌الله لبنان پیروی کند. دولت بریتانیا اخیراً اعلام کرد که شاخه سیاسی جنبش حزب‌الله لبنان را به فهرست "سازمان‌های تروریستی" خود اضافه می‌کند. این کشور پیشتر شاخه نظامی حزب‌الله را وارد این فهرست کرده بود. معاون وزیر امور خارجه آلمان که آخرین از لبنان دیدار کرد گفته است کشورش خواهان ثبات در لبنان است و موضع بریتانیا، تأثیری در مواضع آلمان و اتحادیه اروپا نخواهد داشت.

آلمان تحت فشار آمریکا برای اقدام علیه حزب‌الله لبنان قرار دارد و این موضع دولت این کشور می‌تواند باعث افزایش تنش‌ها با آمریکا و عربستان سعودی شود. آقای آن انتقاد آمریکا مبنی بر "کم‌کاری" دولت آلمان برای مقابله با نفوذ ایران در خاورمیانه را رد کرده و گفته است آلمان حتی در سخت‌ترین شرایط به دنبال راه حل سیاسی است. آقای آن در مصاحبه اشپیکل به نقش حزب‌الله لبنان در جامعه لبنان اشاره کرده و آن را بخشی از چشم انداز سیاسی پیچیده در آن کشور خوانده است. حزب الله در دولت سعد حریری که مورد حمایت غرب است، با سه وزیر حضور دارد. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳، شاخه نظامی حزب‌الله لبنان را در فهرست "گروه‌های تروریستی" قرار داد. بریتانیا ماه پیش گفت تمایزی میان شاخه نظامی و سیاسی حزب‌الله لبنان قائل نمی‌شود و تمامی فعالیت‌های آن را ممنوع می‌کند. دولت بریتانیا گفته است این گروه در خاورمیانه نقش "بی‌ثبات‌کننده‌ای" دارد. حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان روز جمعه گفت سایر کشورها ممکن است از تصمیم بریتانیا پیروی کنند.

شماره ۲۲۰ سال پنجم، یکشنبه، ۱۹ حوت، ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۱۰ مارچ ۲۰۱۹



## قانون شکنی‌ای که از چشم رسانه‌ها و مردم پنهان ماند



کلمه اسحق علی احساس

پرونده‌ی انتخابات پارلمانی هنوز هم باز است و معلوم نیست چه زمانی بسته می‌شود. این در حالی است که تعدادی زیادی از کمیسیون‌های انتخاباتی، خودشان کاندیدای انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان امسال بودند. به این معنی که خودشان در پرونده‌ی انتخابات پارلمانی ذی‌نفع هستند و بر اساس تفسیر از مفاهیم حقوقی، افراد ذی‌نفع در یک قضیه‌ی حقوقی نمی‌توانند، آن قضیه را داوری کنند. با توجه به این نکته، اکنون حرف این است، که اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی با چه مکانیزمی پرونده‌ی انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان را بسته می‌کنند؟

۲

### ۸۹ هراس افکن طالب در

#### یک شبانه روز کشته شدند

وزارت دفاع اعلام کرده است که نیروهای ارتش مواضع هراس افکنان طالب را در شماری از ولایت‌ها هدف قرار داده‌اند. وزارت دفاع با نشر خبرنامه‌ای گفته است، که نیروهای ارتش در جریان یک شبانه روز گذشته، عملیات زمینی و هوایی را در برابر مواضع هراس افکنان طالب در شماری از نقاط افغانستان راه اندازی کرده‌اند. در خبرنامه آمده است که در جریان این عملیات، ۸۹ هراس افکن طالب کشته شده و ۱۷ تن از افراد دیگر این گروه زخم برداشته‌اند. هم‌چنان در جریان این عملیات ۴ فرد مشکوک نیز بازداشت شده‌اند.

وزارت دفاع گفته است که این عملیات در ولایت‌های کندز، غزنی، لوگر، بادغیس، هلمند، کندهار و بلخ راه اندازی شده بود. در خبرنامه آمده است که در جریان این عملیات، ۳ مخفیگاه و سه عراده موتر سایکل هراس افکنان طالب نابود شده است. وزارت دفاع هم‌چنان گفته است که در جریان این عملیات، مقادری سلاح و مهمات هراس افکنان طالب هم به دست نیروهای ارتش افتاده است. این در حالی است که در این اواخر حملات تهاجمی نیروهای ارتش بر مواضع هراس افکنان طالب شدت یافته است.

### عبدالله به رهبران سیاسی: حسد ما را از منافع

#### ملی دور می‌سازد

عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی کشور می‌گوید در صورتی که بزرگان و رهبران سیاسی کشور با احساسات، حسد و کینه باهم برخورد کنند، منافع بزرگ ملی مردم افغانستان که روند صلح یکی از آن‌هاست، راهش را گم خواهد کرد. آقای عبدالله دیروز (شنبه، ۱۸ حوت) در مراسم پنجمین سالگرد وفات مارشال محمد قسیم فهیم، معاون پیشین ریاست‌جمهوری در کابل هم‌چنان گفت که تمامی بزرگان و رهبران سیاسی کشور باید گردهم آمده و راه را برای یک زندگی صلح‌آمیز برای مردم افغانستان آسان بسازند. او تأکید کرد که بزرگان سیاسی کشور با وحدت و هم‌دلی می‌توانند ثابت کنند که به ارزش‌های جهاد، مقاومت و ارزش‌های مردم افغانستان باورمند هستند. به گفته‌ی او: «ایجاب می‌کند که در مهم‌ترین مسأله که مسأله‌ی صلح است، بزرگان ما، همه باهم در راستای منافع بزرگ ملی کشور گردهم آمده و راه را برای مردم افغانستان آسان بسازیم و راه را باز بسازیم برای این‌که مردم افغانستان در صلح و آرامش زندگی کنند.»

رئیس اجرایی کشور افزود که صلح عادلانه اولویت مردم افغانستان است و هر تلاشی که منجر به صلح قابل قبول برای مردم این کشور شود، تلاش خیر است و از آن استقبال می‌شود. آقای عبدالله علاوه کرد که افغانستان زمانی آزاد خواهد بود که گروه‌های تروریستی، دیگر در خاک این کشور جای نداشته باشند و مردم افغانستان در فضای صلح زندگی کنند. او گفت در صورتی که صلح در کشور تأمین شود، دیگر نیازی به حضور نیروهای خارجی در افغانستان نخواهد بود. رئیس اجرایی کشور این اظهارات را در حالی مطرح می‌کند که روز جمعه (۱۷ حوت) محمدرکیم خلیلی، رئیس شورای عالی صلح نیز گفته بود در صورتی که رهبری حکومت وحدت ملی و احزاب سیاسی هر کدام به تنهایی پروسه‌ی صلح را دنبال کنند، این پروسه ناکام خواهد شد.

## جایگاه زنان در جامعه افغانستان؛ از ایده آل گرایی تا

### واقعیت‌های اجتماعی

امیر پناهیان



می‌باشد.

تاریخ جوامع انسانی گواه واضح بر عدم حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است. قبل از تحولات علمی در اروپا، زنان نه تنها در مناسبت‌های اجتماعی سهیم نبودند، بلکه به عنوان بردگان جنسی برای سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در خوشبینانه‌ترین وضعیت برای زنان، که ارسطو آن را بخشی از پیش‌زمینه‌های مدینه‌ی فاضله تلقی می‌کرد، زنان در محافل عمومی حق ابراز نظر و انتخاب را نداشتند. به باور ارسطو، زنان فقط می‌توانستند در میادین بزرگ تجمع کنند و نظاره‌گر فعالیت‌های سیاسی مردان باشند.

هشتم مارچ، روز جهانی هستی‌گویی زنان از تاریخ پر فراز و نشیب برخوردار است. این تاریخ در نوع خود بیان‌گر وضعیت فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان در بستر جوامع بشری می‌باشد. از نگاه سنتی به زنان گرفته تا تحولات رنسانس و دو قرن بعد از آن، شکل‌گیری جریان فیمینیستی در اروپا (قرن ۱۸)، همگی، نشان‌دهنده‌ی وضعیت شکننده‌ی زنان در مناسبت اجتماعی و تحولات سیاسی جهان می‌باشد. زنان به عنوان بخش از جامعه‌ی انسانی همیشه در تصامیم سیاسی و مناسبت اجتماعی نادیده گرفته شده و از حلقه‌ی تصمیم‌گیری دور بوده است. واقعیت جوامع بشری نشان‌دهنده‌ی نوع نگاه سنتی به زنان و محدود ساختن آنان در محیط‌های کوچک

## رهیافت پاره پاره از ویژگی‌های شیوه‌ی تولید و مناسبات

### اجتماعی مرکز گریز بر کشور بخش سوم و پایانی

خالق آزاد



ارزش و اهمیت آن فراتر از تصامیم محاکم ثلاثه (مراجع حکومتی) در کشور به حساب می‌آید. در این گونه تصامیم، که پیوندهای خویشاوندی، خونی، دوستی، تحفه و هدیه، نان و نمک و بیم و امید از شاکی دارای اهمیت است، اغلب تصامیم به نفع وزنه‌ی سنگین‌تر اتخاذ می‌شود.

در بستر این رسم دیرین، که حیات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روستائیان توسط پدر بزرگان روستا مدیریت و رهبری گردیده، تا حد ممکن زمینه‌ی دخالت عناصر بیرونی و یا مداخله‌ی حکومت، توسط آن عناصر در جغرافیای تحت سلطه محدود ساخته می‌شود.

این جامعه‌ی چند پدر و اما یتیم، در منازعات درونی از اصل حاکمیت سنتی پیروی و برای عبور از آن نخست از همه به آن آدرس رجوع می‌نماید. در این نظم کهن سال مراجع حقوقی به شکل غیر رسمی مکان و مرجع مشخص دارد. شاکی برای داد خواست و شکایت، ابتدا به پدر بزرگ روستا و سپس در صورت ناتوانی و یا ناکامی او در حل منازعه، به دایره‌ی بزرگ‌تر و روابط قبیله و پدر بزرگان قریه مراجعه می‌کند. توسعه‌ی منازعه به تدریج پای مراجع و نخبگان مذهبی قریه و قبیله را نیز به میان می‌کشد. تصامیم نخبگان سنتی (پدر بزرگان روستایی) در صورت که مَهر، امضا و تأیید پیشوایان دینی محلی را نیز با خود داشته باشد،

# قانون شکنی‌ای که از چشم رسانه‌ها و مردم پنهان ماند

گپ مردم



رخدادهای مشکوک تروریستی و اتهاماتی

## که باید بررسی شود

پنجشنبه‌ی هفته گذشته (۱۶ حوت)، بیست و چهارمین سالروز یادبود از کشته شدن عبدالعلی مزاری «شهید وحدت ملی» در حالی مختل شد، که چندین گلوله خمپاره در اطراف محل برگزاری این مراسم فرود آمد. بر اساس آخرین آمار، در اثر اصابت این خمپاره‌ها بر مناطق مسکونی و اطراف محل تجمع مردم، ۱۱ تن جان دادند و ۹۵ نفر دیگر زخمی شدند. این رخداد، پس از چندماه آرامش نسبی در غرب کابل، بار دیگر فضای این بخش از شهر را ملتهب ساخت و باعث شد موج تازه‌ی اتهام‌زنی در میان قشر سیاسی و حکومت وحدت ملی، به راه افتد.

در این میان، جدا از این که در سطح قشر سیاسی چه می‌گذرد؛ در تمامی اتفاقات و رخدادهای تروریستی، قربانی دسته‌اول و اصلی، مردم ملکی و جمعیت غیر نظامی اند. گروه‌های که پشت این رفتارهای خشونت‌بار قرار دارند، به خوبی می‌دانند که با اقدامات دهشت‌افکنانه‌ی شان از مردم عادی و جمعیت غیر نظامی جامعه قربانی می‌گیرند. در این طرف اما، مسوولیت حکومت است، که بر اساس حکم قانون، امنیت گردهمایی‌ها و تجمعات مردمی را بگیرند. قانون اساسی و قوانین مدنی افغانستان، به تمامی اتباع و شهروندان این سرزمین اجازه‌ی آن را می‌دهد، که با برگزاری گردهمایی‌ها و تجمعات، خواست‌ها و مطالبات‌شان را از حکومت مطالبه کنند و به مردم جهت سیاسی بدهند. فارغ از این که گردهمایی پنجشنبه‌ی هفته گذشته در غرب کابل، به کدام مناسبت برگزار شده بود، اما حکومت و نهادهای امنیتی مسوولیت داشت، که امنیت این مراسم را تأمین کنند و به هیچ گروه و شبکه‌ی تروریستی اجازه‌ی حمله بر این گردهمایی را ندهند.

گذشته از این مورد، آن‌چه در جریان مراسم یادبود از سالروز ترور عبدالعلی مزاری اتفاق افتاد، بار دیگر توانایی حکومت وحدت ملی و رهبری نهادهای کشفی و امنیتی را با ابهامات جدی مواجه ساخت. نخست این که، حکومت و نهادهای کشفی و استخباراتی، توان دفاع از مردم در برابر حملات کور و دهشت‌افکنانه‌ی شبکه‌ها و گروه‌های تروریستی را ندارند. مکان برگزاری مراسم بیست و چهارمین سالروز یادبود از کشته شدن «شهید وحدت ملی» در جایی واقع شده است، که ساکنان اطراف آن، هیچ‌گاهی پیشینه‌ی همکاری با گروه‌های تروریستی را نداشته‌اند. با این وصف چگونه ممکن است، افراد وابسته به گروه‌های تروریستی و گماشتگان شبکه‌های هراس‌افکن به این منطقه نفوذ کنند و برنامه‌ی حمله بر یک گردهمایی مردمی را طرح بریزند و عملی کنند.

ابهام دوم، به اتهام هم‌دستی کسانی از درون نهادهای کشفی و استخباراتی با گروه‌های تروریستی بر می‌گردد. در سال‌های اخیر اتفاقات فراوانی پیش آمده، که رهبری حکومت و حلقه‌هایی در لایه‌های مدیریتی نهادهای امنیتی، با گروه‌های تروریستی در یک ترازو گذاشته شده‌اند. به عنوان نمونه، نزدیک به سه‌سال پیش، پس از آن که کاروان عبدالرشید دوستم، در شمال کشور مورد حمله قرار گرفت، او انگشت اتهام را به حلقه‌ی در داخل حکومت نشانه گرفت و ادعا کرد، که پشت سناریوی حمله بر کاروان حامل او، کسانی از درون حکومت دست دارند. در رخداد تروریستی دیگر، که تجمع اعتراضی جنبش روشنایی هدف قرار گرفت، هماهنگ‌کنندگان این جنبش، باز هم حلقاتی از داخل حکومت را متهم به دست داشتن در حمله بر معترضان جنبش روشنایی کردند. در تازه‌ترین مورد، آقای محقق، رهبر حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، پس از وقوع حملات راکتی بر مراسم یادبود از سالروز کشته شدن عبدالعلی مزاری، کسانی را از درون حکومت در تباری با سازمان‌دهندگان این حمله متهم کردند. با کنارهم گذاشتن این اتهامات و ادعاهای مشابه آن، به نظر می‌رسد، اکنون زمان آن رسیده است، که حکومت، رهبری نهادهای امنیتی و قشر سیاسی، این اتهامات را بررسی کنند. این کار از آن رو مهم است، که در فضای بی‌اعتمادی کنونی، بررسی اتهاماتی که بر حکومت و رهبری نهادهای امنیتی وارد است، از پراکندگی بیشتر در سطح سیاسی، جلوگیری می‌کند.

این زمینه، بنابر نبود اسناد لازم بررسی‌هایش را انجام نداده است. به طور نمونه، در قانون اساسی آمده است، که یک شخص زمانی می‌تواند خودش را در پُست ریاست‌جمهوری نامزد کند، که تابعیت افغانستان را داشته باشد و به جنایت ضد بشری محکوم نباشد. در این زمینه اما، وزارت خارجه‌ی کشور پس از اعلام فهرست ابتدایی کاندیدان ریاست‌جمهوری از سوی کمیسیون انتخابات، تأکید کرد، که کمیسیون انتخابات اسناد کافی کاندیدان را برای بررسی تابعیت آنان در اختیار این وزارت قرار نداده است. مضاف بر این، تعداد صدهزار تذکره‌ی دارای استیکر رای‌دهندگان که از سوی کاندیدان ریاست‌جمهوری به کمیسیون انتخابات سپرده شده بود، نیز به درستی بررسی نشده است. با این اوصاف، از هر طرفی که بررسی شود، پرونده‌ی هیچ نامزدی به صورت دقیق و همه‌جانبه از سوی کمیسیون انتخابات به بررسی گرفته نشده و ممکن است، با بررسی اسناد این کاندیدان، تعدادی از آنان واجد شرایط کاندیداشدن در پُست ریاست‌جمهوری نباشند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود، که آیا کسانی که هنوز خودشان در جایگاه نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سرنوشت‌شان نامعلوم است، صلاحیت این را دارند که با استفاده از مفاد قانون تعدیل‌شده‌ی انتخابات، اعضای جدید نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات را انتخاب کنند؟

واقعیت این است، که هم تعدیل قانون انتخابات و هم شیوه‌ی گزینش کمیشنران و ریسان دارالانشاهای کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی، یک فراقنی آشکار و یک دهن کجی به روح قانون اساسی و قوانین مرتبط به انتخابات است. این فراقنی و دهن کجی در خوشبینانه‌ترین حالت هم چیزی کم‌تر از قانون شکنی از سوی سکنداران قدرت و کاندیدان ریاست‌جمهوری سال آینده نیست. در شرایطی که انتقال قدرت در کشور همواره با چالش‌های جدی و گاه بنیادبرانداز روبه‌رو بوده، رویکرد چنین سبک‌سرانه در برابر نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات، پیامدهای ناگواری در پی خواهد داشت. تجربه‌ی تلخ انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ میلادی و در آخرین مورد بُن‌بست انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان، گویای این حقیقت است، که اگر با نهادهای انتخاباتی، سیاسی برخورد شود و به ارزش‌های مردم‌سالارانه هم‌چنان بی‌حرمتی صورت گیرد، برآیند انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده، جز بحران و بی‌ثباتی سیاسی، چیزی دیگری نخواهد بود.

افرادی برای عضویت در این نهادها اولویت دهند، که در کنار داشتن شرایط دیگر، از تجربه‌ی خوب انتخاباتی برخوردار باشد. اعضای جدید این کمیسیون‌ها اما ظاهراً بدون در نظر داشت این بخشی از قانون انتخاب شده‌اند. اکنون پرسش این است، آیا سپردن پرونده‌ی که حیات سیاسی کشور به آن وابسته است، به دست کسانی که تجربه‌ی کافی انتخاباتی ندارند، به معنی به قمار گذاشتن آینده‌ی این سرزمین نیست؟

دوم: پرونده‌ی انتخابات پارلمانی هنوز هم باز است و معلوم نیست چه زمانی بسته می‌شود. این در حالی است که تعدادی زیادی از کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی، خودشان کاندیدای انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان امسال بودند. به این معنی که خودشان در پرونده‌ی انتخابات پارلمانی ذی‌نفع هستند و بر اساس تفسیر از مفاهیم حقوقی، افراد ذی‌نفع در یک قضیه‌ی حقوقی نمی‌توانند، آن قضیه را داوری کنند. با توجه به این نکته، اکنون حرف این است، که اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی با چه مکانیزمی پرونده‌ی انتخابات پارلمانی ۲۸ میزان را بسته می‌کنند؟ آیا نتیجه‌ی نهایی انتخاباتی که زیر مدیریت کاندیدان آن انتخابات، بررسی و اعلام شود، برای مردم و نامزدان دیگر قابل پذیرش است؟

سوم: مهم‌ترین نکته، که حتماً می‌تواند، تمامی پرونده‌ی گزینش و مشروعیت کمیشنران جدید را زیر سوال ببرد، مشروعیت نحوه‌ی انتخاب کمیشنران و اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی است. هرچند روند نام‌نویسی کاندیدان ریاست‌جمهوری که بر اساس قانون جدید، این کاندیدان مسوولیت انتخابت اعضای نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات را دارند، زیر نظر و مدیریت بود رهبری قبلی کمیسیون انتخابات تکمیل شد اما اتفاقات پس از نام‌نویسی کاندیدان ریاست‌جمهوری و پرونده‌ی اعلام فهرست ابتدایی و نهایی آنان هیچ‌گاهی در روشنی قانون به پیش برده نشده است. بر اساس اطلاعات دقیق از درون کمیسیون انتخابات، پرونده‌ی هیچ نامزدی برای شامل شدن آن نامزد در لیست ابتدایی و سپس نهایی انتخابات به درستی بررسی نشده است. هم‌چنان بر اساس گزارش‌ها، معیارهای که در قانون اساسی و قانون انتخابات برای کاندیدان ریاست‌جمهوری در نظر گرفته شده، نیز از سوی کمیسیون انتخابات به درستی بررسی نشده و هیچ نهاد و اداره‌ی ذی‌ربط در

از یک ماه به این طرف، اتفاقات مهم و ای بسا سرنوشت‌ساز در پیوند به نهادهایی انتخاباتی به وقوع پیوسته است. پس از آن که قانون انتخابات از سوی حکومت وحدت ملی تعدیل شد و شیوه‌ی گزینش کمیشنران و ریسان دارالانشاهای کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی تغییر کرد، حکومت وحدت ملی در روشنی قانون جدید، ابلاغیه‌ای را نشر نمود، که در آن از احزاب سیاسی و نهادهای جامعه‌ی مدنی مرتبط به انتخابات خواسته شده بود؛ افرادی را به حیث کاندید کمیشنر به ریاست‌جمهوری معرفی کنند. احزاب و نهادهای جامعه‌ی مدنی مرتبط به انتخابات در چارچوب قانون تعدیل‌شده‌ی انتخابات، کاندیدان‌شان را به کمیسیونی که زیر چتر ریاست دفتر ریاست‌جمهوری مسوولیت جمع‌آوری و بررسی اسناد نامز کمیشنران را داشت، معرفی کردند. این کمیسیون به تعداد ۸۱ تن را واجد شرایط رقابت برای عضویت در بورد کمیشنران و ریاست دارالانشاهای نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات اعلام کرد. سرانجام بر اساس قانون جدید، کاندیدان ریاست‌جمهوری پس از چندساعت گفت‌وگو با همدیگر و شنیدن برنامه‌های نامزد کمیشنران، طی یک پروسه‌ی انتخاباتی، چهارده عضو جدید کمیسیون‌های انتخابات را برگزیدند. تا این جای کار، هم رسانه‌ها و کاربران رسانه‌های اجتماعی و هم شهروندان و جریان‌های سیاسی به اتفاقات و رخدادهای توجه داشتند، که حکومت در روشنی قانون جدید، پروسه‌ی گزینش کمیشنران و ریسان دارالانشاهای کمیسیون‌های انتخاباتی را به پیش می‌بردند.

در این میان اما، نکته‌های مهمی از چشم بسیاری از رسانه‌ها و مردم پنهان ماند یا پنهان نگهداشته شد. نکاتی که اگر به دقت مورد کاوش قرار گیرد، تمامی پروسه‌ی گزینش کمیشنران و ریسان دارالانشاهای کمیسیون‌های انتخاباتی را زیر سوال می‌برد و مشروعیت نهادهای انتخاباتی را در هاله‌ی ابهام قرار می‌دهد. در این جا به سه تخطی بزرگ در روند گزینش اعضای جدید کمیسیون‌های انتخاباتی اشاره می‌کنم.

اول: در قانون تعدیل‌شده‌ی انتخابات تأکید شده است، که کاندیدان ریاست‌جمهوری از میان نامزدان عضویت در کمیسیون‌های انتخاباتی، به

**در این زمینه اما، وزارت خارجه‌ی کشور پس از اعلام فهرست ابتدایی کاندیدان ریاست‌جمهوری از سوی کمیسیون انتخابات،**

**تأکید کرد، که کمیسیون انتخابات اسناد کافی کاندیدان را برای بررسی تابعیت آنان در اختیار این وزارت قرار نداده است. مضاف**

**بر این، تعداد صدهزار تذکره‌ی دارای استیکر رای‌دهندگان که از سوی کاندیدان ریاست‌جمهوری به کمیسیون انتخابات سپرده**

**شده بود، نیز به درستی بررسی نشده است. با این اوصاف، از هر طرفی که بررسی شود، پرونده‌ی هیچ نامزدی به صورت دقیق و**

**همه‌جانبه از سوی کمیسیون انتخابات به بررسی گرفته نشده و ممکن است، با بررسی اسناد این کاندیدان، تعدادی از آنان واجد**

**شرایط کاندیداشدن در پُست ریاست‌جمهوری نباشند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود، که آیا کسانی که هنوز خودشان در**

**جایگاه نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری سرنوشت‌شان نامعلوم است، صلاحیت این را دارند که با استفاده از مفاد قانون**

**تعدیل‌شده‌ی انتخابات، اعضای جدید نهادهای برگزارکننده‌ی انتخابات را انتخاب کنند؟**

## رہیافت پاره پاره از ویژگی‌های شیوهی تولید و مناسبات...

در وضعیت‌های ویژه و به‌خصوص پس از امارت امیر عبدالرحمن، که مرکز به سیاست گماشته‌پروری در مدارها اتکا کرد، از گماشتگان مرکز روی مدارها اغلب با اجحاف و ستم مضاعف یاد می‌شود. گماشتگان مرکز به ویژه زمانی که رقبای محلی و مخالف مرکز را از جغرافیای مورد منازعه، با حمایت از مرکز خارج ساخته‌اند، به رنج روستائیان و به‌ویژه خانواده‌های فاقد سپر حمایتی افزوده است. جغرافیای طبیعی دره‌ها و ناوہ‌ها که با حصار کوه‌پایه‌ها، معابر، دریاها و دریاچه‌ها از همدیگر جدا گردیده، در درون به نوعی حکومت‌های محلی و اما غیر رسمی را مدام حفظ کرده است. این گونه حیات، که پایه‌های مستحکم‌تر از نظم ملوک‌الطوایفی در مراحل خاص تاریخی دارد، پیوندهای آن با خون عشیره، اعتقادات دینی و مذهبی، زبان و گویش مشترک، قبرستان مشترک، عواطف و احساس و روابط خویشاوندی در طی سال‌ها اعتبار مقدس گونه یافته است. در نظم ملوک‌الطوایفی، خان، میر، ملک و ارباب قریه و جبه و اعتبار اجتماعی این چنین عمیق و ریشه‌دار

ایجاد نمی‌توانست.

در این جغرافیای سیاسی آب‌ریزها، شیب کوه‌ها، موقعیت معابر و کوتل‌ها، دریاچه‌ها به شکل غیر رسمی جغرافیای سیاسی را ایجاد و از یک‌دیگر تفکیک نموده است. شواهد نشان می‌دهد، متهم به جرم، زمانی که از دره زادگاهی فرار نماید، بسیار مشکل است، که از جغرافیای دیگر آن را بتوان دستگیر و زندانی ساخت. در اوضاع منازعه‌ساز این چنینی، انباشت مازاد تولید نعمات مادی، به جای ذخیره و ارتقای تکامل حیات خانواده به مجاری دیگر انتقال و در آن‌جا به شبکات مختلف زیر نام و عناوین عرفی توزیع و به مصرف می‌رسد. در حالی که انباشت به محور صفر چرخش تکراری می‌یابد. چون مرکز با سیاست گماشته‌پروری در مدارها، گزینش و نگاه خاص سیاسی را تعقیب و رقابت میان گماشتگان همسو و مخالف را با برنامه‌ی خاص تعقیب می‌نماید. لذا گماشتگان و مخالفان پس از بلعیدن امکانات زندگی روستائیان خود نیز با گماشته‌پروری و باج‌دهی در محل و یا به ماموران حکومتی پرداخته و کیسه‌اش را از انباشت تهی می‌سازند.

اگر نگاهی به گراف حرکت خطی حیات اقتصادی روستائیان انداخته شود. این گراف کم‌تر خط صعودی را شاهد بوده و اغلب در امتداد خط مستقیم نوسان داشته است. این حرکت بطی و کند تاریخی که طی سال‌ها همانند دروازه‌ای در محور پاشنه‌اش چرخیده، به تولید محلی مجال انباشت و یا تحول را نداده است. این حرکت سبب گردیده، تا بورژوازی با خصلت ملی در بازارهای کشور عرض اندام نتوانسته و نیروهای ملی برای ایجاد دولت\_ملت‌سازی در این‌جا ریشه نگیرد. پس از ورود استعمار انگیس در منطقه و قرار گرفتن افغانستان به عنوان خط حایل میان دو امپراطوری (انگلیس‌ها و روس‌ها) و تثبیت خطوط سرحدی و اعمال سیاست مستمری به کابل، دیگر حکام مرکزی در وضعیت تحت سلطه و یا زیر قیومیت قرار گرفته و امکانات غارت شبه‌قاره و یا ایران را از دست داد، لذا به غارت و چپاول و یا به سیاست توسعه‌ی قومی در داخل توسل جسته و در بسا موارد بار بار به نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات ضد بشری پرداخته و روایت غم‌بار و سیاه را در این زمینه درج تاریخ نموده است. برنامه که تا کنون نیز تعقیب می‌شود.

## جایگاه زنان در جامعه‌ی افغانستان؛ از ایده‌آل‌گرایی...

از این تاریخ به بعد، زنان تا اواسط قرن ۱۵ در بدترین شرایط و سخت‌ترین حالات ممکن در جامعه‌ی مذهبی اروپا زندگی می‌کردند. بعد از رنسانس، زنان با ایجاد جریان‌های فرهنگی و حلقات مدنی برای کسب حقوق انسانی‌شان اقدام نمودند. عینی‌ترین فعالیت مدنی زنان مربوط به اواخر قرن ۱۸ میلادی، تحت عنوان جریان فیمینستی بوده که قابلیت و ظرفیت جهانی پیدا نمود. زنان در این جریان، عمده‌ترین خواست‌شان، کسب حقوق برابر با مردان و اجازه‌ی فعالیت در مراکز و محافل عمومی بود. بعد از این تاریخ، زنان با مقاومت‌های شدید توانستند بخشی از امتیازات انسانی‌شان را کسب نموده و با حضور در عرصه‌های عمومی به فعالیت‌های مختلف دست یازند.

دست یابند. امیر امان‌الله خان، برای زنان اجازه‌ی حضور در مراکز عمومی را داد اما حقوق اساسی آن‌ها که عبارت از حق شهروندی، منع خشونت‌های خانوادگی، تساوی جنسیتی، حضور در مراکز و کانون‌های تصمیم‌گیری و تبدیل‌گفتمان خشونت‌محور در سطح مناسبات سیاسی افغانستان به گفتمان عقلانیت‌محور، می‌باشد را هرگز مراعات نکرد.

پس از دوران ظاهر شاه، در دهه‌ی دموکراسی، زنان هرچند حضور کم‌رنگ در محافل و مجالس عمومی داشتند؛ اما زمامداران دهه‌ی دموکراسی تلاش‌های کوچک برای تعیین نقش زنان در مناسبات کلان ملی انجام دادند؛ اما با این وجود زنان همچنان در حاشیه‌ی مناسبت‌های کلان ملی بوده و نتوانستند از حقوق اساسی‌شان برخوردار شوند. پس از دهه‌ی دموکراسی، زنان به رغم تلاش‌ها برای حضور شان در فعالیت‌های ملی، با روی کار آمدن حکومت مجاهدین، یک‌بار دیگر شاهد زیر پا شدن نقش‌شان در مناسبت‌های کلان افغانستان بودند. با روی کار آمدن مجاهدین دیگر زنان نه تنها اجازه‌ی حضور در فعالیت‌های رسمی را نداشتند، بلکه قرائت‌های افراطی مجاهدین از ارزش‌های اسلامی، زنان را در حاشیه این مناسبت‌ها و در گوشه‌های تنگ و تاریک خانه محصور نگه داشت. در دروان امارت طالبان، زنان به شدت سرکوب گردیدند و بدون محارم نمی‌توانستند در مراکز شهر گشت‌وگذار نمایند. قرائت‌های افراطی امارت اسلامی طالبان، تلاش‌های کوچک و مقطعی برخی زمامداران افغانستان را نیز به کلی نابود ساخت. این گروه با تفسیر آیات قرآن کریم، روایت‌های اسلامی، زنان را در حاشیه‌ی قدرت سیاسی قرار دادند. در این دوره دیگر زنان برای حضور شان در بنده‌ی مراکز تصمیم‌گیری ملی، مبارزه نمی‌کردند، بلکه تمامی تلاش‌های آنان برای زنده‌ماندن و حفظ جان‌شان خلاصه می‌گردید.

پس از توافق بُن و تشکیل دولت\_ملت به عنوان

جدیدترین پارادیم سیاسی در تاریخ سیاسی افغانستان، حقوق زنان در قانون اساسی و ارزش‌های دموکراتیک دولت جدید افغانستان مطرح گردید. قانون اساسی در بخش‌های مختلف خویش از وکالت پارلمان تا حضور در مراکز موسسات خصوصی، زنان را برابر با مردان تلقی نموده و از تساوی حقوق شهروندی با تمام توان دفاع نموده است. قانون اساسی افغانستان که پس از توافقات بُن تدوین گردید، نمونه‌ای از بازترین قوانین اساسی در سطح منطقه و ناب‌ترین مودل در تاریخ سیاسی و حقوقی افغانستان به شمار می‌رود. هرچند به لحاظ حقوقی، قانون اساسی از مشکلات و زیر ساخت‌های متزلزل حقوقی رنج می‌برد اما حمایت از ارزش‌های دموکراتیک و تعیین نقش زنان، مهم‌ترین دست‌آورد یک قرن فعالیت‌های سیاسی در کشور پنداشته می‌شود.

با تمام این وجود اما شاید عمده‌ترین سوال این است که چرا به رغم تلاش‌های حقوقی و سیاسی برای توزیع عادلانه‌ی ظرفیت‌های ملی و فرصت‌های سیاسی در کشور، زنان هنوز نتوانسته‌اند، جایگاه اساسی‌شان را به دست بیاورند.

بررسی اجمالی از زیر ساخت‌های مناسبات فرهنگی واکنش‌های اجتماعی افغانستان بر اساس مطالعات جامعه‌شناسی و تاریخ‌شناسی، نشان می‌دهد که جوامع در حال گذار تحت شرایط متفاوت، با ارزش‌های مدرن در تضاد و تقابل فکری قرار دارد. افغانستان از جمله کشورهای است، که هنوز زن‌بودن در آن جرم محسوب شده و زنان تحت سخت‌ترین شرایط روحی و فیزیکی محکمه‌ی صحرایی می‌شوند. قابلیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های فکری جامعه پس از جنگ، همیشه در فهم جدید از مناسبات فرهنگی مدرن، دچار اختلالات فکری و زوق‌زدگی روحی می‌گردند. با تمام این وجود بسترهای کنونی افغانستان، هنوز ظرفیت پذیرش زنان را در عرصه‌های گوناگون مخصوصن فعالیت‌های سیاسی و شریک‌شدن در تصمیم کلان ملی را ندارد.

## آغاز افتخار آفرین و پایان شرمگین

"تنظیم‌ها هر یک، به‌خصوص تنظیم‌های حکمتیار، سیاف، خالص و ربانی بر خلاف نورم‌های سیاسی همانند یک دولت، دارای تشکیلات می‌شوند. از خود زندان‌ها و مراکز شکنجه ایجاد می‌کنند و به اصطلاح دستگاه امنیتی ایشان گویا به این منظور کمونست‌ها را تعقیب می‌کنند. ولی عمل تعقیب و پی‌گیری افرادی آغاز می‌شود که می‌خواستند جهاد را در جهت منافع ملی کشور رهبری کنند و قدسیت آن‌را حراست نمایند و یقین این افراد خار چشم مقامات پاکستان بودند. همین بود که یا این افراد ترور شدند و یا هم مجبور به فرار از خاک پاکستان شدند. از این که چه تعداد افراد صدیق و مجاهد در داخل جبهات تحقیر شدند، شکنجه دیدند و یا به‌قتل رسیدند، شمار آن از حساب بیرون است. اسفانگیزتر از آن این است، همه افرادی که از جانب آقای حکمتیار و سایرین ترور شدند، افراد عادی کشور ما نبودند، بلکه دانش‌مندان، سیاست‌مداران و افراد نخبه افغانستان را تشکیل می‌دهند و همه‌ی آن‌ها به دستور مقامات پاکستانی از صحنه‌ی سیاست مبارزه‌ی کشور معدوم گردیدند تا مبدا رهبری جنبش قهرمانانه‌ی مردم افغانستان را افراد شایسته و قهرمان بگیرند. حقیقتن اگر چنین می‌شد و شخصیت‌های در راس جنبش مردم قهرمان قرار می‌گرفتند که با شجاعت و قهرمانی مردم ما تناسب و مناسبت لازم می‌داشت، تصور کنید ما امروز چه کشوری می‌داشتیم و چه جنبشی را به راه می‌انداختیم. ولی افسوس و صد حیف که افراد خودفروخته با دالر و کلدار چه پیمان‌هایی که علیه منافع کشور ما نبستند و چه خیانت‌هایی که نکردند و چه ویرانی‌هایی که به بار نیاوردند...

آن‌ها فقط بخاطر رهبرشدن، وزیرشدن و چور و چپاول‌کردن که هرگز در احوال طبیعی شایستگی کوچک‌ترین مقامات را که عبارت از کتابت عادی باشد، حاصل کرده نمی‌توانستند، رفتند و حلقه‌ی غلامی روس‌ها را به گوش آویختند و وطن را دو دسته به آن‌ها تقدیم کردند و نامش را گذاشتند: «دوستی بی شایبه!» روس‌ها را بر خلاف اراده‌ی ملت ما فرا خواندند و ارتش وحشی‌اش را همراهی کردند و بهترین افراد کشور ما را گروه گروه و دسته دسته به قتل‌گاه‌ها فرستادند و حتا از قتل رهبران مذهبی، شیوخ، زنان و کودکان و حیوانات کشور دریغ نکردند و هیچ نشرمیدند و بر خلاف همه نورم‌های اخلاقی و قبول‌شده‌ی ملی ما، هنگام یورش وحشیانه بر قصبات و دهات کشور، خانه‌های هم‌وطنان خویش را که صرف زنان و دختران (نوامیس) شان در خانه‌ها می‌بودند، به تلاشی می‌پرداختند. این آقایان عین همین خدمات را در برابر دوستان پاکستانی و عرب خویش انجام داده‌اند و می‌دهند.

آن‌ها (رهبران حزب د.خ.) را دستگاه کی.جی.بی. با هم آشتی می‌داد و هر چند وقت یکبار به‌غرض وطن‌فروشی و ابراز صداقت، خدمت بریژنیف ذریعه‌ی طیاره‌های مخصوص مسافرت می‌کردند، و این‌ها (رهبران جهادی) را حمیدگل رییس استخبارات نظامی پاکستان، پیش ضیال‌الحق و رییس استخبارات عربستان سعودی و معین وزرات خارجه‌ی ایران آشتی می‌دهند و به طیاره‌های مخصوص از کابل و پشاور به‌خدمت شاه فهد و غلام اسحق خان می‌برند. حضور پاکستانی‌ها و اعراب که مردم غیور ما هیچ نیازی به حضور این جیون‌ها ندارند، در تصادمات داخل کشور واقعیتی است غیر قابل انکار. چنان‌چه صحبت مخابرویی حکمتیار و مسعود که نوار ضبط شده‌ی آن به دسترس است، وجود این حقیقت را کاملن برملا می‌سازد."

منبع: محمدحسن ولس‌مل، د ولس مل ژوند، انتشارات افغان ملی جریده، سال ۱۳۸۹، صص ۹۰۹-۹۱۰

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان" از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم افغانستان  
آدرس دفتر: کابل، کارته - ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول  
عبدالخالق آزاد  
شماره‌ی تماس: ۰۷۴۷۵۳۸۸۵۸  
سر دبیر  
اسحق‌علی احساس  
ایمیل: sadaaym@gmail.com  
زیر نظر شورای نویسندگان

سال پنجم، یکشنبه، ۱۹ حوت ۱۳۹۷ هجری خورشیدی، ۱۰ مارچ ۲۰۱۹ میلادی

شماره‌ی ۲۲۰

نقد اجتماعی

## چگونه می‌توان میزان آسیب‌پذیری از

### رخداد‌های طبیعی را کاهش داد؟

صفی‌الله پتیانی

بحران، رخدادی نابهنگام و گاه غیرقابل پیش‌بینی است، که شدت و میزان آن از حد معمول بیشتر است. بحران‌های طبیعی همه‌ساله خسارات عمده‌ی جانی و مالی فراوانی به جوامع بشری وارد می‌سازد. حوادث طبیعی با انواع گوناگون مانند زلزله، طوفان، رعد و برق، سیلاب، برف‌کوج، خشک‌سالی، افزایش درجه حرارت و غیره اتفاق می‌افتند. حوادث طبیعی از پیش‌آمدهای ناگواری است که همه‌ساله در گوشه و کنار جهان به اشکال مختلف اتفاق می‌افتد و باعث خسارات مالی و جانی سنگینی می‌شود. هرچند جلوگیری از وقوع رویدادها گرفته نمی‌شود، اما دستورالعمل‌های مقابله با این گونه رویدادها و اقدامات پیش‌گیرانه‌ی وجود دارد که تهدیدها و زیان‌های چنین حوادث ناگوار طبیعی را کاهش می‌دهند.

افغانستان یک کشور محاط به خشکه است، که در اثر حوادث طبیعی در آن هزاران تن جان‌هاشان از دست می‌دهند و زمین‌های زراعتی، درخت‌ها، منابع طبیعی و خانه‌ها به‌طور قابل ملاحظه تخریب شده و مردم متضرر می‌شوند. بدون شک محیط زیست افغانستان در اثر این حوادث ناگوار در امان نبوده و عدم مدیریت درست بحران طبیعی نه تنها باعث افزایش خسارات مالی و جانی می‌شود؛ بلکه تبدیل به یک فاجعه‌ی انسانی خواهد شد. حوادث مرگبار طبیعی و برف‌باری‌های شدید همه‌ساله از مردم افغانستان قربانی می‌گیرد و بی‌جاشدگان داخلی و آسیب‌دیدگان چنین حوادث، در کنار تلفات با مشکلات گوناگون دیگر مواجه می‌شوند، ولی از یک سو به اقدامات پیش‌گیرانه در این زمینه توجه لازم صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر پس از وقوع حوادث نیز عمل‌کرد حکومت همواره ضعیف بوده است. ضعف مدیریتی در مقابله با بحران‌های طبیعی در سال‌های گذشته در افغانستان هویدا بوده است. به منظور جلوگیری از تلفات و خسارات ناشی از حوادث طبیعی نیز برنامه‌های موثر وجود ندارد. سطح آگاهی مردم در رابطه با پیش‌گیری از حوادث طبیعی بسیار اندک است و به همین دلیل حوادث طبیعی از شهروندان افغانستان قربانی می‌گیرد.

پرسش اما این است، که چه‌گونه می‌توان خسارات حوادث طبیعی را کاهش داد؟ پاسخ این‌جاست که از طریق ساخت سدها، سیل‌بندها و بندهای انحرافی و آب‌خیزدر مناطق کوهستانی و شیب‌دار و نیز با ساخت منازل مسکونی مقاوم، اعلام خطر به هنگام از سوی مسوولین، کاشت نهال‌ها، پرورش انواع نباتات، حفاظت از منابع طبیعی، تغییر استراتژی از سوی مسوولین، تشخیص ساحت سیلاب‌خیز با توجه به خصوصیات منطقه، پلان‌های تراس‌بندی، کشت درختان و نباتات منطبق به خصوصیات آن منطقه و هم‌چنان وزارت معارف و وزارت اطلاعات و فرهنگ با هماهنگی نهادهای مسوول حفاظت از محیط زیست کشور می‌توانند از طریق راه‌اندازی برنامه‌های آگاهی‌دهی و آموزشی برای مردم خطرات حوادث محیط زیستی را کاهش دهند. پیش‌آگاهی در کلیه امور بهتر از مبارزه و درمان است، در بسیاری از مواقع پیش‌گیری صدمات و خسارات جانی و اقتصادی ناشی از این گونه بحران‌ها را به حداقل ممکن رسانده و این مهم نیازمند آگاهی و شناخت آحاد جامعه است و باید در سطح جوامع انسانی بسط و گسترش بیشتری پیدا کند. پیش‌آگاهی و پیش‌گیری در تقابل با بحران‌های طبیعی از نظر زمانی دارای سه مرحله پیش از وقوع، هنگام وقوع و بعد از وقوع است. قبل از وقوع: نیازمند تمهیداتی شامل پیش‌بینی‌های مورد لزوم بر مبنای اطلاعات درست در امور هواشناسی، زمین‌شناسی و زیست محیطی، استفاده از سازه‌های موثر در کاهش بلایه و آماده سازی اذهان عمومی در راستای تقابل با چنین رخدادهایی می‌باشد. هنگام وقوع: حادثه وجود امکانات لازم برای کمک رسانی به خسارت دیدگان و جلب مشارکت عمومی از طریق رسانه‌های گروهی ضروری است. بعد از وقوع: به کارگیری روش‌های مقابله با پدیده‌های ثانویه و احتمال صدمات مجدد ناشی از حادثه، درخور اهمیت است. مهم‌ترین روش برای مقابله با بحران طبیعی، علمی نمودن و اجرای درست برنامه‌های مقابله از طریق برنامه ریزی‌های جامع منطقه‌ای، ملی و فراملی است.

## چرا در شرایط نابسامان کنونی بازخوانی اندیشه‌های «شهید وحدت ملی» لازم است؟

محمد نسیم نظری



میراث سیاسی را که شهید مزاری از خود به جا گذاشت؛ عدالت اجتماعی و وحدت ملی در اندیشه‌ی این شهید راستین است. او برای تحقق آرمان‌ها و اهدافش تنها شعار نمی‌داد؛ بلکه همه‌ی این ارزش‌ها را در چوکات علمی و با مبانی حقوقی و قانونی مطرح می‌کرد. طرح قانون اساسی که در زمان او تدوین شده بود یکی از این برنامه‌ها است. اندیشه‌ی شهید مزاری استوار بر تشکیل دولت مدرن ملی با پایه‌های وسیع مردمی بود، نه دولت مبتنی بر اندیشه‌های سنتی و قبیله‌ی. در اندیشه‌ی شهید مزاری برای دولت‌سازی، عنصر کلیدی اصل حاکمیت به ملت و تعیین نظام سیاسی و ارکان قدرت از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مشارکت آزاد و عادلانه‌ی تمام اقوام کشور در سطوح مدیریت و رهبری در سطح تصمیم‌گیری‌های کلان ملی، به عنوان ستون پایه‌های نظام تلقی می‌شد. بدون شک اگر دست‌آورد مثبت برای جامعه و مردم خود داریم، محصول مبارزات شهیدان ما و در راس آن شهید مزاری است.

شهید مزاری، با پایه‌گذاری الگوی وحدت ملی توانست، بزرگ‌ترین جریان عدالت‌خواهی را در تاریخ سیاسی افغانستان رقم بزند. از این جهت، مزاری نماینده‌ی یک اندیشه‌ی جدید و محصول فهم انسانی از روابط سیاسی در تاریخ قدرت و سیاست در کشور می‌باشد. او در کنار تعهد خالصانه به سرزمین و تمامیت ارضی کشور، عدالت را زیربنای تمامی رفتارهای انسانی می‌دانست. شهید مزاری ضمن حمایت از جریان عدالت‌خواهی، وحدت ملی را اصلی‌ترین چتر سیاسی برای ایجاد ثبات واقعی در افغانستان معرفی نموده است. به باور او، تا زمانی که مردم افغانستان بدون در نظر داشت قومیت و فرقه، نتوانند در توزیع فرصت‌های سیاسی و مناصب کلان تصمیم‌گیری با همدیگر توافق کنند، هیچ ابزار دیگری نمی‌تواند مشکل تقسیم قدرت در افغانستان را به صورت اساسی حل کند.

مزاری در تاریخ فعالیت سیاسی خویش، وحدت ملی را شعار مبارزات عدالت‌خواهانه‌ی خود و یارانش قرار داده و تأکید می‌کرد که «ما وحدت ملی را در افغانستان یک اصل می‌دانیم». این نگاه استراتژیک شهید مزاری به قضایا و گفتمان کلان ملی، محصول تلاش‌های او برای رسیدن به ثبات واقعی در کشور است. به باور او وحدت ملی با شریک‌شدن تمامی اقوام ساکن افغانستان در تصمیم کلان

ملی امکان‌پذیر بوده و هویت واحد در سایه‌ی چتر بزرگ وحدت ملی عینیت می‌یابد. شهید مزاری در زمانه‌ی خواستار عدالت اجتماعی و تساوی حقوق شهروندی بود، که افغانستان شاهد بدترین وضعیت سیاسی برای ساکنان‌اش مخصوصاً ملیت‌های محروم بود. گفتمان غالب آن روز، نشان از ستم تاریخی و ظلم‌های زنجیره‌ای بر اقوام کشور می‌باشد. این دوران جزء سیاه‌ترین صفحات تاریخ سیاسی افغانستان بوده که در آن هویت قومی بر هویت ملی سیطره‌ای گسترده داشت. در چنین شرایط حساس سیاسی و تاریخی کشور، شهید مزاری و همراهان‌اش برای داعیه‌ی عدالت خواهی و حضور برابر اقوام افغانستان در گفتمان کلان ملی، اقدام نمودند. او عدالت را تنها برای جامعه‌ی هزاره نمی‌خواست؛ بلکه خواستار حقوق برابر برای تمامی اقوام افغانستان بود.

مزاری نه تنها مدل جدید از مبارزات سیاسی را در تاریخ افغانستان بنا نهاد، بلکه فهم غالب از گفتمان قدرت و سیاست را در کشور دیگرگون کرد. مزاری با داعیه‌ی حق‌خواهی و عدالت‌طلبی، خواستار اجماع سیاسی برای تعریف هویت کلان ملی گردید. از آن زمان به این طرف، هرچند داعیه‌ی او با دشواری‌هایی روبه‌رو شده، اما ارزش‌های او که مزاری از آن حرف می‌زد، در هیچ برهه‌ای از تاریخ جدید افغانستان فراموش نشده است. امروزه شهید مزاری و اندیشه‌های عدالت‌خواهانه‌ی

مزاری نه تنها مدل جدید از مبارزات سیاسی را در تاریخ افغانستان بنا نهاد، بلکه فهم غالب از

گفتمان قدرت و سیاست را در کشور دیگرگون کرد. مزاری با داعیه‌ی حق‌خواهی و

عدالت‌طلبی، خواستار اجماع سیاسی برای تعریف هویت کلان ملی گردید. از آن زمان به این طرف، هرچند داعیه‌ی او با دشواری‌هایی روبه‌رو شده، اما ارزش‌های او که مزاری از آن حرف می‌زد، در هیچ برهه‌ای از تاریخ جدید افغانستان فراموش نشده است. امروزه شهید مزاری و اندیشه‌های عدالت‌خواهانه‌ی او تنها در غرب کابل محصور نمانده؛ بلکه در نقاط مختلف افغانستان و جهان، اندیشه‌های او الگوی واضح برای سیاست‌مداران بوده و داعیه‌ی او تبدیل به قدرت‌مندترین داعیه‌ی عدالت‌خواهی گردیده است.

او تنها در غرب کابل محصور نمانده؛ بلکه در نقاط مختلف افغانستان و جهان، اندیشه‌های او الگوی واضح برای سیاست‌مداران بوده و داعیه‌ی او تبدیل به قدرت‌مندترین داعیه‌ی عدالت‌خواهی گردیده است.

شناخت شخصیت شهید مزاری، مستلزم بازخوانی عمیق اندیشه‌ها و افکار سیاسی او می‌باشد. بازخوانی اندیشه‌های استاد مزاری، در شرایط حساس کنونی می‌تواند الگوی مناسب برای تصمیم‌گیری‌های کلان ملی و تقویت وحدت سیاسی در سطح گفتمان بزرگ کشور باشد. اکنون که کشور در آستانه‌ی تحولات اساسی قرار داشته و دو پروسه‌ی مهم ملی (صلح و انتخابات ریاست‌جمهوری) در حال پی‌گیری می‌باشد، الگوگیری از اندیشه‌های آن شهید مزاری، می‌تواند مسیرهای مشترک ملی را برای رسیدن به ثبات سیاسی و وحدت ملی در افغانستان تقویت نماید. گفت‌وگوهای صلح هر چند با تلاش‌های ایالات متحده‌ی آمریکا، به مرحله‌ی حساس خویش نزدیک شده و امیدها برای رسیدن به تفاهم سیاسی با گروه طالبان افزایش یافته است؛ اما باید توجه داشت که صلح تنها به مفهوم ختم جنگ نیست؛ بلکه صلح واقعی در سایه‌ی وحدت ملی و حفظ ارزش‌های یک‌ونیم دهه نظام مردم‌سالار معنی پیدا می‌کند. صلح واقعی زمانی در کشور تحقق می‌یابد، که تمام طرف‌ها و جریان‌های سیاسی در آن دخیل بوده و اجماع کلان ملی در پیوند به حفظ نظام جمهوری اسلامی و ارزش‌های دموکراتیک چون حقوق بشر، آزادی بیان، حقوق زنان و آزادی مطبوعات به وجود آید. تا زمانی که تمامی طرف‌ها و ظرفیت‌های سیاسی افغانستان در پروسه‌ی صلح سهیم نباشند، هر گونه تلاش شخصی و تیمی در راستای صلح بدون در نظر داشت منافع ملی و ارزش‌های مهم نظام سیاسی، بی‌نتیجه و فاقد دست‌آورد می‌باشد. با توجه به شرایط حساس کشور، جامعه‌ی کنونی ما نیازمند بازخوانی اندیشه‌ها و افکار بلند شهید مزاری بوده و باید نخبگان سیاسی\_فرهنگی برای ترویج اندیشه‌های آن شهید تلاش‌های همه‌جانبه نمایند.